

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۸ نومبر ۲۰۱۷

عرض سپاس خدمت دگروال صاحب آقای "سعید"

محترم دگروال صاحب، از این که آن یادداشت مختصر مورد پسند تان قرار گرفته، یک جهان ممنون. راستش را بپرسید آن نوشته به خصوص مقطع زمانی که نگارش یافته، به همان اندازه که متعلق به می باشد چون ملهم از تذکر بجای شما بود، به جنابعالی نیز تعلق داشته، اجازه می خواهم آن را به مثابه "برگ سبز و تحفه درویش" به شما تقدیم دارم. امید با پذیرش آن بر من منت گذارید.

محترم دگروال صاحب، شما در نوشته تان از شکسته نفسی کار گرفته و نوشته بودید که گویا دست تان با قلم زیاد آشنا نیست، اگر اجازه مخالفت با نظرتان را داشته باشم به صراحت می نگارم که من با این حکم تان موافق نیستم، زیرا: در واقع هدف هر نوشته ای انتقال پیام نویسنده به خوانندگان است، به عبارت دیگر نوشته در واقع وسیله و پلی است بین مغز نویسنده و مغز خوانندگان. در نتیجه بهترین نویسنده کس و یا کسانیست که آنچه را خود می اندیشد به وسیله نوشته هر چه کوتاهتر و رساتر به طرف مقابل که خواننده باشد، انتقال دهد. امری که جنابعالی با تمام نوشته هایتان به بهترین شکلی انجام داده اید، سند اثبات چنین ادعائی، برداشت درست من از محتوای نوشته ای بود که بر مبنای آن نوشته من شکل گرفت. اگر دست شما با قلم آشنا نمی بود، درک مطلب تان نه تنها برای من، بلکه برای افرادی مانند من نیز دشوار می شد که نشد. و اما اندکی هم به ارتباط توضیحی که من دادم و کمبود هائی که می باید از آنها انتقاد نمایم:

محترم دگروال صاحب، به یقین شما در جریان قرار دارید که قبل از ایجاد "پورتال افغانستان آزاد - آزادافغانستان" متصدیان پورتال من جمله خودم، مقاله های ما را به "افغان جرمن - آنلاین" فرستاده می توان گفت به حیث همکار - با تفاوت سطوح همکاری - آنها به شمار می آمدیم. بعد ها وقتی امکان همکاری کاملاً از بین رفت و مقاطعه با آن نهاد صورت گرفت، هرچند از همان اول، علت اختلاف با آن سایت مشخصاً مسایل سیاسی و برداشت های متفاوت ما در مجموع از اوضاع افغانستان، این که افغانستان یک کشور اشغال شده و فاقد استقلال است و یا یک کشور آزاد و مستقل، چگونگی برخورد با آن، تأیید حاکمیت استعماری و یا مبارزه علیه آن، عمده ساختن مسایل قومی، زبانی، نژادی و مذهبی و یا این که آنها را به مثابه تضاد های درجه چندم شناخته، اولویت کار خویش را به مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع قرار دهیم و ده ها مطلب خرد و بزرگ دیگر از همین قبیل، بود و تا جایی که به من مربوط می شد هیچ گونه نقار و یا کدورت شخصی بین متصدیان پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" و شخص خودم با گردانندگان سایت

"افغان جرمن -آنلاین" وجود نداشت، مگر حین جدائی ما مشخصاً خودم نتوانستم خود را از دامی که سرراهمان گسترده، نجات دهم.

به عبارت دیگرگرداندگان پیدا و پنهان سایت "افغان جرمن آنلاین" که اینک روابط استخباراتی آنها نه تنها با استخبارات المان، بلکه با "ک. ج. ب." و "سی. آی. ای" نیز بیرون افتاده، بسیار آگاهانه فضای درگیری بین دو سایت را قسمی سازماندهی نمودند که به جای بحث روی نقاط افتراق و بحث روی آن خطوطی که امکان همکاری بین ما را از بین برده بود، هوشیارانه یک سلسله حملات شخصی شان را به استقامت متصدیان پورتال به خصوص این قلم سازماندهی نموده در یک مورد بیشتر از ۱۱۰ نفر به من فحش و ناسزا حواله نموده، بسیار تحریک آمیز حتا به خانواده و مادرم نیز اهانت روا داشتند.

در نتیجه این کردار زشت و غیر فرهنگی آنها با کمال تأسف ما به خصوص خودم، به جای آن که بیشتر تکیه بر عوامل اختلاف بین خود و آنها نموده سیاست های ضد ملی و خاینانه آنها را در عرصه های مختلف افشاء می نمودم، احمقانه به دام آنها افتاده، ما به خصوص خودم شروع کردیم به جواب بالمثل دادن و آنها را از لحاظ شخصی رسوا نمودن. درست است که ما در این عرصه پیروزی ها و دستاورد هائی داشتیم و متصدیان سایتک "افغان جرمن آنلاین" را چنان مفتضح و بی آبرو ساختیم که دیگر نتوانند در جمع روشنفکران سر بلند نمایند، مگر این آنچیزی نبود که آنها از آن هراس داشتند، اسباب و مایه ترس و هراس آنها این بود که خطوط حرکی و ستراتیژی تبلیغاتی شان مبدا افشاء شود. کاری که با تأسف ما در انجام آن نه تنها زیاد موفق نبودیم، بلکه به درجات معینی رسوبات آن افکار بعضاً در همه جا خود را نمایان می سازد.

برگردیم به نوشته قبلی.

در آن نوشته جهت افشای سیاست "چسپیدن به گذشته به منظور انحراف اذهان از وضعیت کنونی" به گفته استاد سخن آقای "معروفی"، "سرگردانی قلم" بحث کشته شدن آقای "میوندوال" را به میان انداخت. قبل از هر چیزی باید بنویسم که من مخالف تحقیق در مسایل تاریخی نیستم- مشروط بر آن که محقق حد اقل آشنائی با اسباب و وسایل تاریخی داشته، به اساس مطالعات آفاقی شخصاً توانائی تحلیل پدیده های تاریخی و جواب "چرائی" های برخی از حوادث و واقعات را داشته باشد، نه این که با سرهم بندی نوشته این و یا آن نویسنده نامدار و یا بی نام و از جمع آنها یک معجون مرکب ساختن، هم خود را توهین کند، هم خواننده و هم آن بیچاره ای را که جناب خواسته در باره اش قلم فرسایی نماید. نوشتم که من مخالف تحقیق نیستم، مگر قبل از همه باید بدانیم که انگیزه تحقیق ما چیست و کدام گره کور وضعیت کنونی کشور ما را می گشاید.

محترم دگروال صاحب، مثال دیگری خدمت تان عرض می نمایم. مثالی که به مانند مثال قبلی همیشه از جانب باند تبهکار "افغان جرمن آنلاین" به مثابه یک موضوع قابل افتراق به آن دامن زده می شود. مسأله "افغان" و "افغانستانی". بحثی که حدود بیست سال قبل آغاز یافته، طرفین هریک دلایل شان را جهت استفاده از آن بیان داشتند. این که با تمام تبادل استدلال هیچ یک از طرفین، موضع دیگری را قبول ننمود، مبین آن است که روشنفکر ما در مقطع کنونی ظرفیت حل آن را ندارد.

در اینجا سؤال مطرح می گردد، که وظایف ما در قبال این معضله چیست؟ آیا همین که به مثابه یک معضله مشخص شده، حل آن را بگذاریم برای زمانی که کشور ما از وضعیت کنونی بسلامت عبور و در جامعه عصبیت های قومی، مذهبی و نژادی دیگر نقشی بازی ننماید و یا این که نه، به گفته مردم کابل "اگر نر هم هستی بزای و اگر ماده هم هستی" موجودیت عساکر اشغالگر بیش ۴۴ کشور را در میهن نادیده گرفته، جنایات طالب، داعش و به اعتراف

سخنگویان اداره مستعمراتی ۲۰ سازمان تروریستی و در کل اسلام سیاسی که در دشمنی اش با مردم افغانستان هیچ جای شکی نیست، نادیده گرفته، هم و غم خویش را بدین معطوف بداریم که چه کسی "افغان" است و چه کسی "افغانستانی".

محترم دگروال صاحب، در همین جا قبل از این که نتیجه گیری خود را از بحث اعلام بدارم، لازم می دانم توجه خوانندگان را به پاسخ "سید جمال الدین افغان" در باب مسأله مشابهی بیان دارم.

تمام آنهایی که خود را با حیات "سید جمال الدین افغان" مصروف داشته اند، می دانند که وقتی در ترکیه فردی راجع به هویت ملی "سید" از وی سؤال نمود، وی با برافروختگی تمام گفت: "بگذار هر کس هرچه می خواهد بگوید، افغان، ایرانی، هندی، مصری و ... مگر کدام پدر سوخته جرأت دارد بگوید که من انسان نیستم". نقل به مضمون. با در نظر داشت همین پاسخ سری می زنیم به اتفاقات و وقایع نیمه دوم ماه اکتوبر در کشور عزیز ما افغانستان.

همه از طریق اخبار و جراید می شنیدیم و می دیدیم که ظرف یک هفته، بیش از ۳۰۰ تن از زحمتکشان افغانستان به اساس انفجارات انتحاری "داعش"، "طالب"، "دولت دست نشانده" و ... تنها در شهر کابل به خاک و خون کشیده شدند.

محترم دگروال صاحب، شما به حیث یک انسان بی غرض و بی طرف و انسانی که حب و بغض علی و عمر ذهنش را به خود مشغول نداشته، لطف نموده باربار سری به مطبوعات همان زمان بزنید، ببینید از نویسندگان مدافع مواضع "افغان" و "افغانستانی" چند مقاله در تقبیح جنایات آتیلا های زمان نگارش یافته، گیریم که آنها "افغان" نه "افغانستانی" و یا عکس آن، مگر آنها انسان نبودند که ذوات قلم به دست ما در تقبیح آن جنایات قلم می زدند. نکند از نظر اینها به جای تقدم انسان و انسانیت، "افغان" و یا "افغانستانی" بودن مقدم است که ریختن خون ۳۰۰ هموطن دردمند آنها را از خواب بیدار نمی نماید.

محترم دگروال صاحب، وقتی از این منظر به قضایا نگریسته شود، مشاهده می گردد که ما به خصوص شخص خودم قادر نشده ایم با طرح دلایل اختلاف ما با نهاد های استخباراتی از قماش "افغان جرمن آنلاین"، "دعوت"، خاوران"، "کابل پرس" و ده ها سایت مشابه آنها، هویت استخباراتی و تفرقه افکنانه آنها را افشاء و مردم ما را از افتادن در دام آن سیاست های آنها مراقبت نمائیم.

این رشته سردراز دارد